

تاریخچه حقوق بشر در اسلام

هنگامی که مفاهیم حقوق بشر را در بستر تعالیم اسلام مورد بررسی قرار می‌دهیم قبل از هر نوع پیشداوری باید نکاتی را به‌عنوان پیش فرض در زمینه تبیین مبانی و مفاهیم حقوقی مد نظر قرارداد زیرا که بی‌توجهی و یا بی‌اطلاعی از این پیش فرضها و مرز بندیها در بسیاری از موارد موجب گمراهی و انحراف از تعالیم واقعی اسلام می‌گردد. اینک به‌برخی از این اصول و پیش فرضها به‌منظور روشنتر شدن موضوع بحث اشاره می‌شود.

۱- مبانی فلسفی و عقیدتی بسیاری از اصولی که بنام حقوق بشر مطرح می‌گردد و حتی مفاهیم برخی از این اصول از دیدگاه اسلام با آنچه که در تفکر غربی تحت همین عناوین ارائه می‌شود متفاوت و احیاناً فاقد مشترکات اصولی است.^۱

۲- برای کسانی که حتی مختصر اطلاعی از اسلام و تاریخ آن دارند روشن است که بحث حقوق بشر از دیدگاه اسلام صرفاً یک بحث انفعالی و تطبیقی نیست و ما امروز از آن جهت به‌این بحث کشانده نشده‌ایم که در برابر اندیشه‌های حقوقی و سیاسی غرب تفکر مشابهی را به‌نام اسلام مطرح نمائیم و یا صرفاً در مقایسه دو دیدگاه خود را از عقب‌ماندگی تبرئه نمائیم.

۱- به‌عنوان نمونه می‌توان مقایسه بین دموکراسی به‌فهوم غربی و آزادی براساس اندیشه اسلامی را در این مورد در نظر گرفت.

اصولی چون کرامت انسان و آزادی و مساوات و بر خورداری از امنیت و دفاع مشروع و تامین اجتماعی و تعلیم و تربیت و نفی اکراه و اجبار و حمایت از حقوق زن و کودک و محرومان جامعه و احترام به مالکیت و دیگر مفاهیم حقوق طبیعی و فطری و قراردادی انسان، از مفاهیم و مقوله‌های حقوقی و سیاسی آشنا در فقه و تاریخ اسلام می‌باشد.

وقتی مباحث عمده عدالت اجتماعی و مفاهیم وارکان تحقق امت از دیدگاه اسلامی مطرح می‌شود خود به خود این اصول و مفاهیم که امروز به حقوق بشر شهرت یافته مورد بحث قرار می‌گیرد.

بدون تردید با مراجعه به نصوص اسلامی و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در طول پانزده قرن می‌توان به وضوح به این حقیقت پی برد و وجود یک تصور و اندیشه مشخص اسلامی در زمینه مسائل حقوق بشر را دریافت و به این حقیقت پی برد که مسائل حقوق بشر چه در تئوری و چه در عمل همواره در تاریخ اسلام مطرح و مورد توجه بوده است.^۱

۳- اندیشه حقوق بشر در اسلام بر مبنای تفکر توحیدی است نه اومانیسم، آنگونه که در تفکر غرب دیده می‌شود. بر اساس تفکر فلسفی اسلام، انسان یک موجود خود آفریده و یا مخلوق فعل و انفعالات کور و کر طبیعت و بطور کلی یک موجود مستقل نیست. انسان مخلوق خداوند علیم و حکیم و تابع قوانین کلی آفرینش و اراده تکوینی خداوند است که در عمل نیز باید از اراده تشریحی خدا پیروی نماید ولی در عین حال، در اندیشه اسلامی، بشر در عمل آزاد است و اجبار در عمل چه از ناحیه خداوند و چه از طرف دیگر انسانها نفی شده است و همین پیچیدگی فلسفی است که جبر تکوینی را با اختیار علمی از یک سو و تکلیف الهی و تکامل انسان را از سوی دیگر در صحنه زندگی فردی و اجتماعی انسان

۱- آیه ۷۰ سوره اسراء: ولقد کرهنا بنی آدم، به تنهایی می‌تواند سبقت و قدمت اندیشه حقوق بشر در اسلام را به اثبات برساند.

گردآورده است و موجب گردیده که بحث حقوق بشر از پیچیدگی خاصی برخوردار گردد و مرزبندی بخشهای فلسفی و حقوقی و سیاسی آن دشوار تلقی شود.^۱

۳ مکرر - مفهوم اختیار آزادی انسان در تفکر اسلامی مطلق العنان بودن بشر نیست. انسان می تواند در برابر سنن آفرینش و قانونمندی حاکم بر جهان مقاومت کند و برخلاف آن عمل نماید و نیز در برابر اراده تشریحی خداوند مقاومت کند و در زندگی فردی و اجتماعی از قوانین الهی سرپیچی نماید. انسان در انتخاب این دو راه که در منطق اسلام به ضلالت تعبیر شده هیچگونه مانع و رادعی از نظر تکوینی ندارد ولی آنچه که در این وادی آزادی انسان را محدود می کند احساس مسئولیت و تکلیف است که اگر بتوان در حدود آن مناقشه نمود در اصل آن نمی توان خدشهای وارد کرد.

در تفکر اسلامی انسان آزاد ولی مسئول شناخته شده است و میزان مسئولیت انسان است که حدود آزادی او را تعیین و مشخص می کند.^۲

۴ - اعتبار حقوق بشر و الزام آور بودن آن در تصور ما بدان خاطر است که حقوق بشر جزئی از مکتب اسلام و قوانین الهی است و ایمان به این مکتب است که به حقوق بشر اعتبار می بخشد و آن را الزام آور می کند. بهمین دلیل است که در تفکر دینی، حقوق بشر از عمق و الزام و ضمانت اجرای بیشتری برخوردار می گردد.

۵ - همه آنچه که تحت عنوان حقوق بشر در اسلام مطرح می شود از احکام تاسیسی اسلام نیست، بلکه بخشی از این مفاهیم جزء احکام امضائی اسلام است که به دلیل منطقی و متناسب بودن با فطرت انسان مورد تأیید قرار گرفته و از دیدگاه اسلام به عنوان حقوق الزامی بشر شناخته شده

۱ - رجوع و شد به مقدمه کتاب انسان و سرنوشت نوشته استاد شهید مطهری و مقدمه کتاب جبر و اختیار تألیف علامه محمدتقی جعفری.

۲ - رجوع شود به فقه سیاسی، ج اول از همین قلم صفحه ۵۵۲.

است.^۱

۶- براساس دو اصل فقهی «اباحه»^۲ و «برائت» اصولاً انسان در هر نوع عملی که حکم صریحی در آن زمینه در نصوص اسلامی یافت نشود آزاد است و قلمرو این آزادی شامل صحنه‌های وسیعی از زندگی فردی و اجتماعی می‌گردد که در مقوله‌های مختلف حقوق بشر می‌تواند تاثیر مثبتی داشته باشد.

۷- در فقه اسلامی، احکام به دو دسته الزامی و غیر الزامی تقسیم می‌شود که دستورات الزامی شامل واجبات (بایدها) و محرمات (نبایدها) می‌گردد.

احکام غیر الزامی که در سه نوع مستحبات و مکروهات و مباحات مطرح می‌شود در حقیقت قلمرو آزاد زندگی بشر می‌باشد و انسان می‌تواند براساس این تقسیم‌بندی در خارج از قلمرو احکام الزامی (واجبات و محرمات) در انتخاب راه و شیوه زندگی آزاد باشد و در این قلمرو وسیع اباحه به قانون‌گذاری در زمینه‌های مختلف زندگی از آن جمله حقوق بشر بپردازد و این قوانین را براساس اصل احترام به قراردادها به صورت قراردادی بر خود و دیگران الزام‌آور سازد.

در سلام توصیه شده است که در این قلمرو آزاد زندگی بشر که بسی فراختر از بخش مربوط به احکام الزامی است از محدود ساختن خود و حتی از تکلیف در بدست آوردن حکم الزامی شرعی خودداری نماید.

علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «ان الله... وسکت عن اشیاء ولم یدعها نسیاناً فلا تتکلفوها».

۱- رجوع شود به بحث فطرت در تفسیر المیزان نوشته استاد علامه طباطبائی ج ۱۶ صفحه ۱۹۸.

۲- اصل اباحه عبارت است از مباح بودن هر عملی مگر آنچه که شرع به طور معین آن را حرام شمرده است.

۳- اصل برائت عبارت است از مبرا از مسئولیت بودن هر انسان مگر آنکه تکلیف و یا جرم وی با دلیل معتبر ثابت گردد.

۸- یکی از منابع وادله فقهی عقل است، عقل به مفهوم نظری و هم به معنی عملی کاربردی وسیع در استنباط احکام اسلامی دارد. این خود دلیل واضحی بر کرامت و قداست و احترام انسان در دیدگاه اسلامی است که خداوند به انسان اجازه داده است که از این حق الهی بهره‌مند گردد و دست به قانونگذاری بزند»^۱.

۹- اسلام این حق و امتیاز بزرگ را برای بشر قائل است که اصولاً قبول دین و تسلیم به شریعت وقتی معتبر است که این امر بر اساس عقل و استدلال منطقی باشد و تبیین دین و شریعت برای انسان به مرحله قابل قبولی رسیده باشد. عقلایی بودن دین و مبانی و مفاهیم و تعالیم آن بالاترین حق و امتیاز و کرامتی است که اسلام ویژگی اعطای آن را به انسان دارد.^۲

۱۰- عنصر حقوقی و سیاسی «مصلحت جامعه» در تفکر اسلامی گرچه به تئوری احکام حکومتی دولت اعتبار و مشروعیت بخشیده و بدینوسیله در موازنه حقوق و آزادیهای فردی و اقتدارات دولت موجب افزایش اختیارات دولت گردیده است، ولی اگر دقت بیشتری در همین مساله اصولی مبذول شود روشن می‌گردد که احکام حکومتی خود ابزار قابل اطمینانی است که دولت می‌تواند با استفاده از آن نقطه نظرهای کور حقوق بشر را بیپوشاند، از سوی دیگر باید توجه داشت که مشروعیت حکومت و دولت از دیدگاه اسلام با آراء آزاد مردم تامین می‌گردد.^۳

تاریخچه حقوق بشر را در اسلام باید از دو بعد مورد مطالعه قرار داد: از بعد نظری در لابلای نصوص اسلامی و سپس از نقطه نظر

۱- نهج البلاغه : قصارالحکم: شماره ۱۰۵.

۲- رجوع شود به فقه سیاسی ج ۳ از همین قلم صفحه ۹۵.

۳- لا اکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی (سوره بقره آیه ۲۳۲) در دین تحمیل نیست این در حالتی است که راه رشد و راه ضلالت آشکار گردیده است. رجوع شود به تفسیر المیزان ج ۲ صفحه ۳۶۰.

تاریخی در لابلای تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی گذشته و کنونی.

تئوری حقوق بشر در اسلام

برای شناخت تاریخ تئوری حقوق بشر در اسلام ناگزیر باید آن را به دو بخش زیر تقسیم و هر کدام را بطور جداگانه مورد بررسی قرار داد:

الف - تاریخ تکوین حقوق بشر در اسلام

ب - تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام

در مورد بخش اول باید توجه داشت که تاریخ تکوین مجموعه حقوقی اسلام با نزول آیات قرآن و گفتار پیامبر و سیره عملی و تقریرهای آن حضرت ترسیم شده است. لذا در این بحث کافی است ما به بخشی از آیات و احادیث مربوطه اشاره نمائیم و از آنجا که محققین شرکت کننده در سمینار در هر مورد که بحث خواهند کرد به نصوص اسلامی مربوطه اشاره خواهند نمود، لهذا ما در این بحث نیازی به استقصای همه نصوص وارد شده را نداریم و تنها به برخی از آنها اکتفا می‌نمائیم:

۱- حدیث «مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم مثل الجسد الواحد اذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى»^۱ اشاره به این نکته دارد که: اعضای جامعه با ایمان در برابرز مهر، دلسوزی و عواطف مانند یک تنند که هر گاه عضوی از آن بدرد آید دگر عضوها را مانند قرار. مفاد این حدیث موازنه ارزش فرد و جامعه است در دیدگاه اسلام ارزشها و نقشها و خلاقیت‌های اجتماعی از وجود افراد متجلی می‌گردد و بهمین دلیل رشد آن از هدفهای اصیل و قابل توجه زندگی محسوب می‌شود ولی در عین حال ارزش و اصالت جامعه هرگز نادیده گرفته نمی‌شود.

همان قدر که فدا کردن جامعه وحدت برای فرد و واحد به دور از

عقل و منطق و در جهت تخریب ارزشهاست فدا کردن فرد در برابر جامعه و واحد در برابر وحدت نیز غیر منطقی و موجب پایمال شدن ارزشها و توقف قافله رشد انسانی است.

۲- حدیث: انما یجمع الناس الرضا والسخط^۱ روشنگر بنیان اصیل وحدت و انسجام بر اساس رضایت عمومی است که پایه اساسی دموکراسی را در تفکر سیاسی اسلام تبیین می کند و بدون آن (رضایت عمومی) نظام سیاسی مشروعیت خود را از دست می دهد.

۳- آیه: ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاعبدون^۲ مبین این حقیقت است که در تئوری امت در دیدگاه اسلامی، فرد بر حسب ادراک و اراده و اختیار خود و ایمانی که به ارزشهای والادارد جزئیت کل (جامعه - ملت - امت) را می پذیرد و خود را وقف آن و گاه فدای آن می سازد و این، عالیترین مرحله آزادی بشر محسوب می شود.^۳

۴- در جهان بینی اسلام حق آزادی و اختیار در همه حال برای فرد به عنوان حق غیر قابل سلب ثابت و محفوظ است می توان از آیه: انا هدیناه السبیل اما شا کراً او کفوراً^۴ و آیه من شاء فلیؤمن شاء فلیکفر^۵ دلیل واضحی بر این تفکر استنباط نمود.

۵- حقوق و اصالت فرد در کنار حقوق و اصالت جامعه حتی در بازگشت نهائی انسان که در عقیده معاد متجلی است نیز ظاهر می گردد: لقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مرة^۶.

۶- گرچه مرزبندی حدود حاکمیت دولت و تعیین قلمرو دقیق

۱- سفینه البحار ج ۱ ماده رضا.

۲- سوره انبیا آیه ۹۲: اینست امت شما که امت یکپارچه است و من پروردگار شمایم پس همگی خدا را پرستش نمائید.

۳- رجوع شود به تفسیر المیزان ج ۴ صفحه ۱۲۳.

۴- سوره انسان، آیه: ما انسان را آفریدیم او در سپاسگذاری و ناسپاسی مختار است.

۵- سوره کهف آیه ۲۹: هر کس خواست ایمان بیاورد و هر که خواست کفر بورزد.

۶- سوره انعام آیه ۹۴: اکنون که تنها بسوی ما آمدید همچنانکه شما را تنها آفریدیم.

حقوق و آزادیهای فرد در جامعه از چنان پیچیدگی برخوردار است که در بسیاری از موارد - علیرغم صراحت قانون - در عمل تشخیص آن بسیار دشوار است ولی باید توجه داشت که مشکل تصادم و تضاد تنها اختصاص به برخورد حقوق فردی با حق حاکمیت دولتها نیست بلکه در این ماجرا فرد در برابر فرد یا افراد نیز مطرح است.

در اسلام، در تمامی این مراحل دقیق و دشوار، به انسان به چشم: انی جاعلك فی الارض خلیفه^۱ و نیز یا ایها الانسان انك كادح الی ریک كدحاً قملاقیه^۲ نگریسته شده و حقوق فردی در تمامی تنگناها محترم شمرده شده است.

۷- در اندیشه سیاسی اسلام تنها واکنش قهری فرد یا جامعه در برابر بی نظمی و پدیده ظلم و اختلاف نیست که احترام به حقوق آدمی را ایجاد می کند بلکه این تحمیل از آنجا نشأت می گیرد که او به نیاز خود و دیگران به تکامل اعتقاد دارد و سرنوشت متعالی انسان و کرامت ذاتی او در حد: ونفخت فیه من روحی^۳ شناخته شده است.

۸- در تفکر اسلامی جهالت نسبت به موضوع و جایگاه اصیل انسان و ارزش والای آن مایه اصلی همه بی عدالتیها و ستمها و عدم شناخت صحیح انسان از خویشتن بوده و تا انسان به شناخت صحیح از خود و دیگران نرسد نسبت به مسئولیتهايش جاهل خواهد بود.
كفی بالمرء جهلا ان لا یعرف قدره^۴.

۹- در نصوص اسلامی بر ارزش و احترام به انسان علیرغم پیرایهها و طبقه بندیهای عارضی تاکید شده است: فانهم صنفان اما اخلك فی الدین او نظیر لك فی الخلق^۵.

۱- سوره بقره آیه ۳۰ رجوع شود به تفسیر المیزان ج ۱ صفحه ۱۱۵.

۲- سوره انشقاق آیه ۶.

۳- سوره ص آیه ۷۲.

۴- نهج البلاغه: خطبه ۱۶-۹.

۵- همان: نامه ۵۳-۹.

۱۰- آفرینش انسان یکسان و از طبیعت برابر برخوردار است: الذی خلقکم من نفس واحدة وخلق منها زوجها وبث منهما رجالاً كثيراً ونساءً^۱.
 ۱۱- آیه: ما کان الناس الا امة واحدة فاختلفوا^۲ بیانگر نفی فاصله و تبعیضهای ناروا است.

۱۲- در دیدگاه قرآن تفاوتها جنبه ارزشی ندارد بلکه صرفاً مربوط به پیچیدگی‌های نظام آفرینش و عامل معرفت رشد فکری انسان می‌باشد: یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا^۳.
 ۱۳- برای نفی هرگونه تبعیض ناروا در میان انسانها: پیامبر اکرم فرمود: ایها الناس ان ربکم واحد وان اباکم واحد کلکم لادم و آدم من تراب...^۴

۱۴- ارزش و جایگاه هر انسان در جامعه و در نهایت بسته به عمل اوست (قیمة کل امرء ما یحسنة و کل نفس بما کسبت رهینة^۵).

۱۵- اسلام امتیاز طلبی‌ها بر اساس زر و زور و سایر معیارهای مادی مطرود شمرده و آنرا مورد نکوهش قرار داده است و قالوا نحن اکثر اموالا و اولاد^۶ و مانحن بمعذبین^۶.

۱۶- در قضاوت عادلانه اسلامی حتی در نگاه کردن هم باید مساوات را مراعات کرد: و أس بینهم فی اللحظة والنظرة^۷.

۱۷- میزان مساوات در اسلام حق و عدالت است: (ولیکن امر الناس عندک فی الحق سواء^۸. و اعلمو ان الناس عندنا فی الحق سواء^۹ در یک کلام:

- ۱- سوره نساء آیه ۱.
- ۲- سوره یونس آیه ۱۹.
- ۳- سوره حجرات آیه ۱۳.
- ۴- تحف العقول صفحه ۲۹.
- ۵- سوره مدثر آیه ۳۸.
- ۶- سوره سبا آیه ۳۶ و ۳۵.
- ۷- نهج البلاغه نامه ۲۷ و نامه ۴۶.
- ۸- همان: خطبه ۵۹.
- ۹- همان: نامه ۷۰: بدانید مردم در چشم ما یکسانند.

خذسواء واعظ سواء (وسائل ۱۲ ص).

۱۸- قرآن امنیت را از نتایج رشد و تکامل بشر می‌داند: ولیدلنهم من خوفهم امناً^۲ و شهرامن را الگوی مدینه فاضله معرفی می‌کند: ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة^۳.

۱۹- قدرت سیاسی در تفکر اسلامی صرفاً وسیله‌ای برای هموار کردن راه رشد انسانها است نه هدف و یا وسیله سرکوب: اللهم انك تعلم انه لم یکن الذی^۴.

۲۰- مصونیت هر انسان آگاه و متعهد به راه انسانی از هر نوع تعرض حقی است مسلم که اسلام بر آن تأکید می‌ورزد: لاتروعوا المسلم فان روعة المسلم ظلم عظیم ومن نظر الی مؤمن لیخیفه بها آخذة الله عزوجل یوم لا ظل الاظله^۵.

۲۱- رسول گرامی اسلام بخش عظیمی از حقوق فردی را در این خطاب تاریخی مشخص نمود: آنجا که فرمود:

من اهان مؤمناً فقد بارزنی بالحرب و سباب المومن فسوق و قتاله کفروا کل لجمه معصیة و حرمة ماله کحرمة دمه^۶.

۲۲- در فلسفه سیاسی اسلام هدف بعثت انبیا بازگرداندن انسانها

۱- وسائل الشیعه ج ۱۲ صفحه ۱۰: یکسان بگیر و یکسان بده.

۲- سوره نور آیه ۵۵: سرانجام امنیت را جایگزین ترسشان می‌سازد.

۳- سوره نحل آیه ۱۱۲: خداوند آبادی امن را مثال می‌زند.

۴- نهج البلاغه خطبه ۱۳۱: خدایا تو میدانی که آنچه ما در اختیار گرفته‌ایم وسیله‌ای است برای ...

۵- اصول کافی ج ۲ صفحه ۲۷۳: مسلمان را نترسانید زیرا ترساندن او ستمی بس بزرگ است هر کس که به مؤمنی نگاهی بیافکند که او را بترساند خداوند او را در روزی که جز عنایت پروردگار کارسازی نیست مجازات خواهد نمود.

۶- سفینه البحار ج ۱ صفحه ۴۱: هر کس که مؤمنی را بترساند بامن اعلام جنگ نموده است ناسزا گفتن و جنگ نمودن با او کفر است و دست درازی به مال او نافرمانی خدا است و احترام مال او مانند احترام خون او است.

به آزادی است. فان الله بعث محمداً ليخرج عباده من عبادة عباده الی عبادته^۱. و نه انسانهایی که کرامت خود را بخاطر نیاز از کف می دهند می گوید: لاتکن عبد غیرک وقد جعلک الله حراً^۲.

۲۳- شعار لاتظلمون ولا تظلمون از اصلیتترین شعارهای انسان - دوستانه ایست که قرآن برای ریشه کن نمودن مایه های تجاوز مطرح کرده است^۳.

۲۴- نفی اکراه از مقوله های حقوقی روشنی است که ضمن تحریم سلب آزادی انسان بصورت یک اصل حقوقی در محاکمات بکار گرفته می شود: حدیث رفع^۴ و آیه لا اکراه فی الدین^۵.

تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام

با گردآوری آیات قرآن کریم در همان نخستین سالهای نزول قرآن، اولین مرحله تدوین حقوق بشر در اسلام انجام گرفت و تبیین مسائل مربوط به حقوق بشر در مجموعه آیات الهی در ذکر حکیم گردآوری و تدوین گردید و از این رو می توان تاریخ تدوین حقوق بشر را در اسلام به دهه دوم قرن اول هجری و دهه های آخر قرن هفتم میلادی نسبت داد و قرآن را در مقایسه با آنچه که در غرب تحت عنوان حقوق بشر تدوین شده یکی از کهنترین اسناد مدون در حقوق بشر شمرد.

با جمع آوری گفته ها و عملکردها و تقریرهای پیامبر اسلام (ص)

۱- وسائل الشیعه ج ۳ صفحه ۱۴ - نهج البلاغه خطبه ۱۵۴: خداوند پیامبر را مبعوث نمود تا بندگانش را از عبودیت دیگران آزاد سازند.

۲- وسائل الشیعه ج ۳ صفحه ۴۳ - نهج البلاغه نامه ۳۱: بنده دیگری مباش ترا خدا آزاد آفریده است.

۳- سوره بقره آیه ۲۷۹: نهستم کنید و نهستم بپذیرید.

۴- رفع عن امتی تسعة... وعدا کرهوا علیه (از امت من نه مورد از مسئولیتها و تکالیف برداشته شده و یکی از آنها موردی است که فرد مورد اکراه قرار می گیرد).

۵- سوره بقره آیه ۲۵۶.

و تدوین احادیث و سیره و تالیف جوامع حدیث و سیره نبوی گام دیگری بصورت وسیعتر در زمینه تدوین حقوق بشر در اسلام برداشته شد و مبانی وریشه‌های حقوق بشر در لابلای کتب حدیث و سیره مطرح گردید و مانند دیگر بخشهای علوم اسلامی زمینه را برای بررسی و تحقیق و تحلیل اندیشمندان اسلامی فراهم آورد. قرن سوم هجری شاهد صدها کتاب و جامع و سیره نگاری بود هاست که با نامهای مختلف اصول و مبانی تفکر جامع اسلام را در زمینه فرهنگ و تمدن بشری و از آن جمله حقوق بشر مطرح نموده است.

خوشبختانه اکثر این کتب و جوامع حدیث که شامل گفته‌ها و عملکرد... های پیامبر در کل مسائل اسلامی است از گزند حوادث تلخ و ویرانگر تاریخ مصون مانده‌اند و ما امروز به‌طور مستقیم به‌بخش عظیمی از این میراث گرانبهای فرهنگی و علمی تاریخ صدر اسلام و به‌طور غیر مستقیم به اکثر آنها دسترسی داریم.

تنقیح کتب، اصول و جوامع اولیه حدیث توسط محدثین و محققین اسلامی مرحله جدیدی را در زمینه مسائل اسلامی و از آن جمله مسائل مربوط به حقوق بشر در سیر تاریخی تدوین حقوق بشر در اسلام آغاز نمود. در این مرحله کار تقسیم‌بندی موضوعی احادیث و تبیین و طبقه‌بندی سندی روایات و در نتیجه مشکل تعارض احادیث آشکارتر و منقح گردید. با آغاز تدوین فقه و اخلاق (دو رشته بسیار مهم از علوم اسلامی) که شکل جامعتر آن در قرون سوم و چهارم تجلی نمود مباحث حقوق بشر در اسلام در کتاب‌های فقهی و اخلاقی این عصر همچون مبسوط شیخ طوسی بطور استدلالی مطرح و مورد نقد و تحلیل قرار گرفت.

تحولات بعدی فقه را بویژه در قرنهای هفتم و هشتم هجری می‌توان در کتب فقهی چون مولفات محقق و علامه حلی جستجو نمود و نیز در دوران شکوفائی فقه اسلامی در قرنهای سیزده و چهارده هجری مسائل حقوق بشر در اسلام بصورت عمیقتر و روشنتری در لابلای طبقه‌بندی

و موضوع‌بندی سنتی فقه در مباحث سیاسی فقه عنوان گردید.^۱
 در عصر ما فقهای بزرگ چون حضرت امام خمینی گامهای بلندی در گشودن راههای جدید در بینش فقهی برداشتند که ضمن وارد کردن مقوله‌های عرفانی در شخصیت و ارزش انسان به قلمرو مباحث فقهی حقوق بشر اصولاً با تکیه به دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد افقهای جدیدی را برای صاحب‌نظران دبرداشت از نصوص اسلامی متناسب با انسان معاصر باز نمودند.^۲

تحول حقوق بشر در تاریخ اسلام

مطالعه تحولات حقوق بشر در صدر اسلام، در دوران حیات پیامبر اسلام، در حقیقت نشانگر یک انقلاب سیاسی و ارزشی در زمینه مسائل حقوق بشر می‌باشد (۴۶)

احترامی که پیامبر به عنوان شخصیت برتر الهی و مقام رسمی سیاسی برای انسانها از هر عقیده و رنگ و طبقه اجتماعی قائل بود و شخصیتی که به زنان داد و اعمال جاهلیت را در زمینه‌های تحقیر و تبعیض و ستم نسبت به انسانهای محروم تقبیح نمود در تاریخ بشر کم‌نظیر است.

وقتی پیامبر در برابر جنازه یک یهودی از جا بلند می‌شود و با یهودیان و مسیحیان متحد و با قبول پیوستن آنها به جامعه اسلامی وحدت ملی را پایه‌ریزی می‌کند و زنده به گور کردن دختران را به عنوان یکی از زشت‌ترین صورت‌های تحقیر بشر مورد تقبیح قرار می‌دهد و یاران خود را به آزادی و اظهار نظر حتی در برابر نقطه نظرات خود تشویق می‌کند و نشستن ساده و بدون نشانه در حلقه یارانش را بر تکیه بر مقام و اریکه قدرت ترجیح می‌دهد، تصویری از تعالی حقوق بشر را در تاریخ تاریخ

۱- رجوع شود به فقه سیاسی از همین قلم ج ۲ صفحه ۵.

۲- همان: صفحه ۶۵.

و سراسر ستم عصر خود ترسیم می کند.

یاران پیامبر که تربیت شده این مکتب بودند هر کدام الگوئی از این تصور و تصویر بودند. در این میان علی علیه السلام بیش از هر شخصیت اسلامی دیگر در این زمینه سختگیر و روشنگر بود.

از آنجا که جز اختصار در کلام راه دیگری وجود ندارد کافی است به فرازهایی از رفتار سیاسی امام در برخورد قضائی با خصم خود در دادگاه عدل اسلامی و نفی تبعیضهای ناشی از انتساب به پیامبر و قریش و نیز به دستور اکیدی که آن حضرت برای نصرانی پیرمرد سائل صادر فرمود که از بیت المال برایش جیره تعیین کنند توجه شود.

علی علیه السلام حتی امتیازاتی چون حضور در جبهه های بدر و حنین را در تقسیم مزایای اجتماعی مردود شمرد و از شکل گیری عوامل فشار که به دنبال کسب امتیازات بودند ممانعت نمود و رضایت مصلحت عمومی را اساس حکومت و مظهر اراده الهی بر شمرد و تا لحظه آخرین عصر پربرکت خود از حقوق انسانها و آزادی ایشان دفاع و حمایت نمود. سخنان آن حضرت را در بحث گذشته در این زمینه از نظر گذرانندیم.

متأسفانه در دوران خلافت امویان نظام طبقاتی و اندیشه امتیاز طلبی و انحصار جوئی ابتدا از طریق تحریف ارزشهای اسلامی و سپس به اتکاء قدرت مالی، نظامی و سیاسی در مناطق، به دور از معارف اصیل اسلامی، جایگزین مساوات و آزادی و احترام به حقوق انسانها گردید و خلاف از این خط اصیل اسلامی منحرف شد و بسیاری از ارزشهای اسلامی در زمینه حقوق بشر مورد تحریف قرار گرفت.

بنی العباس که ابتدا برای مبارزه با انحصار طلبی و رفتار ضد بشری امویان برخاسته بودند سرانجام بدلیل ماهیت عوامل موثر در انتقال قدرت به گروه اجتماعی جدید، عباسیان نیز به همان راه اسلاف خود کشانده شدند و این بار با شیوه های دیگر ارزشهای اسلامی تحریف شد و تبعیض و بی احترامی و تحقیر به انسانها به صورتی شدیدتر از گذشته اعمال گردید.

اگر بنی‌امیه بنابر اصل خرافاتی برتری نژادی دست به نقض حقوق بشر زدند، بنی‌العباس براین تصور که چون از خاندان پیامبرند خود را گروه ممتاز و برتر صاحب امتیاز شمردند و از این رهگذر برای توجیه رفتار غیر انسانی و ضد اسلامی خود به نوعی دیگر از تحریف ارزشهای اسلامی دست یازیدند.^۱

بررسی جنبشها و قیامهای سیاسی و مسلحانه‌ای که در این دو دوره از تاریخ اسلامی رخ داده است نشان می‌دهد که انگیزه بسیاری از این تحولات ریشه در تبعیض و تحقیر و تضييع حقوق اساسی افراد وارزش-ها ی اسلامی مربوط به این حقوق دارد.^۲

در دوران امپراتوری عثمانی گرچه زیرپا گذاردن حقوق و آزادیهای اساسی ملت‌های مسلمان و نیز غیر مسلمان به امتیاز نژادی و امتیاز مذهبی کمتر ارتباط پیدا می‌کند، ولی اینان نیز مانند اسلاف اموی و عباسی خود تبعیضها و تحقیرها و ستمها و تضييع حقوق انسانهای تحت حکومت خود را زیر پوشش برخی از ارزشهای اسلامی مانند جهاد و ایجاد پان‌اسلامیسم انجام دادند و با ملت‌ها و قبائل غیر ترک و ملت‌های غیر مسلمان رفتاری تحقیرآمیز و مبتنی بر تبعیض داشتند.

تصویر خشن و غیر عادلانه و نقض حقوق بشری که ترک‌های عثمانی از اسلام در دوران حکومت مستبدانه خود ارائه دادند سال‌های متمادی موجب گردید که اسلام در اندیشه غربیان در شکل يك تهاجم نظامی بیرحمانه و رفتار خشونت‌آمیز و تحقیر بشری تصور شود و تز «اسلام با شمشیر پیشرفت کرده است» در اذهان آنها رسوخ نماید.

تا آنجا که بسیاری از روشنفکران و نویسندگان مسلمان برای شستشوی ذهنی غربیان و از میان بردن این ذهنیت غلط ناگزیر شدند راه افراط پیموده، دیگر اصول سیاسی اسلامی چون جهاد و نفی رکون و نفی سبیل

۱- رجوع شود به انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن از همین قلم صفحه ۱۴۶ چاپ دوم.

۲- همان : صفحه ۱۲۴.

و نظائر آن را مردود شمرده و اسلام را در پوششی از تسلیم و سازش ارائه دهند.

در دو قرن اخیر با کمال تاسف نفوذ استعمار غربی اکثر مسلمانان را از هویت اسلامی بیگانه و آنان را به گرایشهای تجدیدطلبانه و معنی نادرست روشنفکری و رفتار و تفکر غیر مسئولانه لائیک سوق داد و در حقیقت در قرن اخیر مسلمانان نه به درستی راه و رسم اسلامی را در زمینه احترام به حقوق بشر داشته‌اند و نه رفتار کاملاً غربی را اعمال کرده‌اند.^۱

هنگامیکه امروز قوانین اساسی کشورهای اسلامی را در زمینه حقوق بشر و رفتارهای سیاسی را در این کشورها در زمینه حقوق اساسی و آزادی‌های فردی مورد مطالعه قرار می‌دهیم، آثاری از گرایشهای شعاری به اندیشه غرب در زمینه حقوق بشر را می‌یابیم ولی بیگانگی از هویت اسلامی و دوری از ارزشهای والای اسلامی در زمینه حقوق بشر آنها را به بی‌مایگی و تضاد گفته و عمل کشانیده است.

تنها حادثه‌ای که در این عصر، قابل ذکر است تدوین حقوق بشر اسلامی است که اعضاء سازمان کنفرانس اسلامی در سال جاری به آن دست یافته و تصویری نه‌چندان دور از واقعیت‌های اسلامی از حقوق بشر را در يك میثاق بین‌المللی اسلامی ارائه داده است.

به اعتقاد ما قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بلندترین گام را در تصویر حقوق بشر در اسلام برداشته و در يك فصل جداگانه تحت عنوان حقوق ملت و ملی بیش از ۲۴ اصل مسائل حقوق و آزادیهای اساسی را بر شمرده است.

جمهوری اسلامی ایران بر اساس چنین قانون اساسی بویژه اصل‌های ۱۳ و ۱۴ رفتار انسان دوستانه و مبتنی بر احترام به حقوق بشر را نسبت به همه اقشار ملت اعم از اقلیت‌های دینی و سیاسی در پیش گرفته است که در

۱- رجوع شود به فقه سیاسی از همین قلم ج ۱ صفحه ۵۳۶.

مقایسه با دیگر دولتها بویژه کشورهای اسلامی، از امتیازات چشم‌گیری برخوردار بوده‌است. جهان برخی از این حقایق را علیرغم تبلیغات سهمگین رسانه‌های گروهی صهیونیستی بین‌المللی در گزارش گالیندوپل نماینده ویژه سازمان ملل متحد مشاهده نمود.^۱

در پایان این بحث فشرده لازم به تذکر است که بحث داغ حقوق بشر را در محافل سیاسی جهان نباید جدی گرفت، همانطور که شعار صلح برای شرق کمونیست یک حربه سیاسی است، شعار حقوق بشر نیز برای امریکا و غرب چیزی جز یک چماق برای سرکوب مخالفین بویژه دولتهائی که منافع استعماری آنها را به خطر می‌اندازند نیست و بهمین دلیل است که لیست کشورهای ناقض حقوق بشر همواره در حال محو و اثبات است و چنان‌کشدار است که گاه میش‌ بجای گرگ و گرگ بجای میش در این لیست ارائه می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی